

کتاب الحکمة فی الادعية و الموعظة للأمة

تألیف

محمد بن علی الناموس الخواری الفریومندی

دوست ارجمند فاضل ما آقای جعفر سلطان القرائی که بجمع نسخ نفیسه عشقی فراوان دارند دو قسمت از یک کتاب را که بعنوان مذکور در فوق است، یک قسمت را در تبریز و قسمت دیگر را در طهران، بدست آورده اند و تصادفاً این دو قسمت هر دو بیک قطع و یقیناً اجزاء یک نسخه اند و قسمت دوم درست دنبال قسمت اول است فقط یک ورق از ابتدای قسمت اول و از آخر قسمت دوم مقداری که ظاهراً چندان مبلغ قابلی نبوده است افتاده ولی قسمت اول از ورق ۳۰ تا ورق ۱۰۰ و بعضی اوراق را دیگر کم دارد.

نام کتاب چنانکه در عنوان مقاله قید کرده ایم «کتاب الحکمة فی الادعية و الموعظة للأمة» است و مؤلف آن کسی است که خود را «محمد بن علی الناموس الخواری محنداً و الفریومندی منشأ و مولداً» میخواند. بنا بر این شکی نمی ماند که مؤلف شخصاً از مردم فریومند سبزوار بوده و در خوار (ظاهراً خوار بییق یعنی سبزوار) اقامت داشته است.

کتاب الحکمة را مؤلف بشرحیکه در مقدمه آن مینویسد بنام «علاء الملة و الدین عماد الاسلام و المسلمین محمد بن صاحب الأعمام السعید عماد الحق و الدین محمد بن صاحب السعید تاج الحق و الدین محمود بن زنگی بن طاهر الفریومندی» تألیف کرده و این خواجه علاء الدین محمد که بتاريخ سال ۷۴۲ و فات یافتن از همان خاندان معروف

زنکی است که ما در شماره گذشته (ص ۴۹ - ۶۱) بنسبست ذکر ترجمه فارسی کتاب الفرج بعد الشدة يك عده از ایشان را که اجداد این خواجه علاء الدین محمدند نام برده ایم و برای آنکه بحث در باب افراد خاندان زنکی کاملتر شود در ذیل همین مقاله بيك عده دیگر از اعضای آن خانواده اشاره میکنیم .

موضوع کتاب الحکمه که در فاصله بین سنوات ۷۲۷ و ۷۴۲ تألیف یافته دعاء و شرایط و آداب آن است از روی احادیث و مشتمل بر يك عده از ادعیه معتبره است که مؤلف آنها را بانام رواة آنها مسلسلأً تا حضرت رسول و ائمه و بزرگان دین آورده و خود او ظاهراً شافعی مذهب بوده است .

کتاب الحکمه منقسم بدو قسم است قسم اول در مباحث علمی مشتمل بر سیزده باب در تعریف و صیغه دعا و عقیده تارکین و مذهب متمسکین بآن و معنی اجابت و انواع آن و زمان و مکان و شرایط و فضیلت دعا و آداب دعا کننده و فضیلت تسمیح و حمد و استعاذه و توبه و غیرها .

قسم دوم در عمل است و مؤلف در این قسم در طی ده باب ادعیه ای را که باید در ساعات روز و شب یا ایام ماه یا حالات مختلفه خوانند و نمازهای نافله و دعوات مستجاب و ادعیه انبیاء و ائمه و صلحارا یاد نموده است .

دو قسمت نسخه آقای سلطان القرائی که آنها را معظم له لطفاً برای مطالعه تحت اختیار نگارنده گذاشته اند بقطع ۲۸ سانتی متر در ۱۹ سانتی متر و بخط نسخ خیلی خوانا از نوع خطوط قرن هشتم بر روی کاغذ ضخیم نخودی رنگ نوشته شده است .

این کتاب البته از لحاظ مضمون چندان مهم نیست و در حقیقت کتاب دعائی است بروایت اهل سنت و اگر کسی آنرا با کتب ادعیه از منته بعد مقایسه کند مطالبی در باب تحول اینگونه کتب و جموعه ادعیه بطور کلی دستگیر او می شود .

بیشتر اهمیت کتاب الحکمه فریومدی بقدمت عهد تألیف و فارسی روان و بلیغ

آنست بعلاوه چون مؤلف آنرا بنام یکی از افراد خاندان تاریخی زنگی گرد آورده و بروشن شدن يك قسمت از تاریخ ایشان کمک میکند اهمیت دیگری بآن میدهد. نام این مؤلف و تألیف او با وجود فحس زیادی که بکار رفت در هیچ مأخذی بدست نیامد فقط از اشاراتی که او خود در طی کتاب آورده معلوم میشود که مؤلف در سلخ ذی الحججه از سال ۷۲۰ در کعبه در خدمت شیخ صدر الدین ابراهیم بن سعد الدین حموی جوینی (متوفی سال ۷۲۲) شیخ عارف معروف و داماد عطا ملک جوینی میزیسته و در سال ۷۲۷ خدمت محدث معروف عراق سراج الدین ابو حفص عمر بن علی قزوینی (۶۸۳-۷۴۸) از استادان مجد الدین فیروز آبادی صاحب قاموس تلمذ و سماع حدیث کرده است.

از این جمله معلوم میشود که تألیف کتاب او بعد از سنه ۷۲۷ رخ داده و چون این کار در حیات خواجه علاء الدین محمد فریومندی متوفی سال ۷۴۰ صورت گرفته بوده ناچار تألیف آن بین سنوات ۷۲۷ و ۷۴۲ بانجام رسیده است.

برای آنکه نمونه ای از شیوه انشاء کتاب الحکمه بدست داده باشیم یکی دو فقره از آنرا ذیلاً نقل میکنیم باین شرح :

« محمد بن عبدالله گوید روزی امیر احمد میکال نیشابوری مرا بخواند و يك دسته جامه مرتفع داد و ده دینار نیشابوری و مرا گفت فردا نیت روزه کن و غسل کن و با هیچ کس سخن مگوی و بنزدیک من آی.

« دیگر روز همچنان کردم و پیش او رفتم، مشربۀ آبگینه شامی بر آب زمزم بیارود و يك شمامۀ کافور و مشک و زعفران و يك برد یمانی و يك ردا و گفت این هفت هیکل را بدین آب زمزم و کافور و مشک و زعفران برین برد یمانی و ردا بنویس و نسخه بمن داد. نوشتم و از بهر خود نسخه گرفتم و این نسخه ابوسعید خرگوشی بدو داده بود و من نسخه خود با نسخه استاد ابوسعید مقابله کردم و او مرا وصیت کرد که این را عزیز دار که نیکبخت بحقیقت آنکس باشد که این دعا خدای تعالی بدو

ارزانی دارد و گفت مرا این دعا القائم بامر الله بخشیده است با وصیتها بسیار. استاد ابوسعید چون پیش سلطان محمود انارالله برهانه آمد این هیکل بهدیه پیش او آورد بر طوماری باریک نوشته و سلطان او را بستد و با خویشتن می داشت و هرگز از خود جدا نکردی تا گمان بردند که مگر گنج نامه اینست و تا آن با او بود بهیچ کار در نماند و از هیچ کس هزیمت نشد و چون فرمان یافت هیچ کس آن نسخه را نیافت .
ایضاً :

« مردی از زبیده در خدمت رشید خلیفه بود چیزی نوشت بدو که خشم او زیادت شد و قصد کشتن او کرد، چون در آمد خواب دید که شخصی مهیب پیش او باز آمد مقرر عآتشین در دست و گفت این علوی محبوس را رها کن و الا بدین مقرر ع ترا هلاک کنم .

« چون بیدار شد بیرون آمد از سرای با بیرهنی تنها می لرزید ، آنکه مرا بخواند و گفت هم در ساعت بری رو و آن علوی را بیرون آر و اطلاق کن و ده هزار درمش بده و اسبی و غلامی و کنیز کی و زود باش . من چنان کردم که او گفت ، و چون علوی از من جدا می شد گفتم حق من بر تو واجب شد بحق جد خود که صورت حال با من بیان کن . علوی گفت شبی خفته بودم بخواب دیدم که آینده آمد و مرا گفت بر خیز و وضو ساز و دو رکعت بگزار و این دعا بخوان که دعاء جد تست صلی الله علیه و سلم ... »

کسی که محمد بن علی فریومدی کتاب الحکمه خود را بنام او تألیف و آنرا باو تقدیم کرده چنانکه قبلاً یاد آور شدیم خواجه علاء الدین محمد بن عماد الدین محمد بن تاج الدین محمود زنگی بن طاهر فریومدی است و ما در شماره قبل در طی صفحات ۵۰ - ۵۶ گفتیم که خاندان زنگی که این خواجه علاء الدین محمد نیز از مشاهیر ایشان است خاندانی از بزرگان مستوفیان و وزرای خراسان بودند که نسب بطاهر

ذوالیمینین میرساندند و از آنان عزالدین ابوالطیب طاهر بن زنگی بن طاهر فریومدی وزارت امیر ارغون آقا حکمران مغولی خراسان و مازندران و پسرش وجیه الدین زنگی وزارت خراسان را داشتند و خواجه وجیه الدین بعلت بستگی بخاندان جوینی پس از استیصال ایشان در ۲۰ ذی القعدة ۶۸۵ با مر ارغون خان بقتل رسید.

اینک برای آنکه اطلاعات خود را در باب افراد خاندان زنگی تکمیل کرده باشیم در اینجا بذکر شمه‌ای از احوال سایر افراد آن میپردازیم:

وجیه الدین زنگی مقتول در ۶۸۵ چهارپسر داشت از اینقرار:

۱ - نظام الدین یحیی که بتاریخ سه شنبه دهم محرم از سال ۷۰۲ در قریه یوزاقاج هشتروود در آذربایجان بقتل رسید و همشهری او شاعر شهیر ابن یمین در تاریخ قتل او گوید:

بسال هفت صد و دو ز هجرت نبوی دهم زماه محرم سه شنبه از هفته بیوزاقاج نظام خجسته پی یحیی ز تیغ قهر اجل تا بحشر شد خفته

۲ - وجیه الدین زنگی او پدر عزالدین طاهر است که بسال ۷۱۹ وفات یافته.

۳ - علاء الدین هندو که مشهورترین پسران خواجه وجیه الدین زنگی است و مدتها پس از پدر خویش وزارت خراسان را داشته و این خطه در عصر او قرین آبادی و آسایش بوده و خود او همواره با اهل علم و ادب حشر داشته و ایشان از خوان انعام او تمتع برمیگرفتند، ابن یمین که از مداحان او بود در تاریخ وفاتش (چهارشنبه چهارم جمادی الاولی از سال ۷۲۳) چنین گوید:

هفت صدسال و سه و بیست ز هجرت رفته با چهار آمده بودست جمادی الاولی چارشنبه بگه چاشت ز حد کهور شد عـ لاء دول دین بجوار مـ ولی

۴ - تاج الدین محمود که بنام او فقط در تواریخ برمیخوریم و اطلاعی از

احوال او نداریم ولی پسرش عماد الدین محمد که وزیر و مستوفی ممالک خراسان

بوده و مردی زبرک و مدبر و در زبان فارسی ترسل و انشاء شهرت داشته بسیار مشهور شده .

ابن الفوطی که او را باین اوصاف میستاید میگوید که او براداء فرایض نیز مواظب بود و وردی مخصوص داشت که تا آنرا نمیخواند بدفتر و دیوان نمی آمد و در سفر و حضر از خواندن آن غفلت نمیکرد . وفات او را ابن الفوطی در جمادی الاخره سال ۷۱۶ مینویسد .

این عمادالدین محمد بن تاجالدین محمود پدر علاءالدین محمد وزیر (۶۷۹-۷۴۲) است که کتاب الحکمه موضوع بحث ما بنام او نوشته شده .

خواجه علاءالدین محمد پس از وفات پدر خود بسمت استیفا و مقام وزارت خراسان منصوب شد و او بجهانی که ذیلاً بیاید یکی از مشهورترین افراد خاندان زنگی است .

در سال ۷۲۷ سلطان ابوسعید خان بهادر وزارت خود را بخواجه غیاثالدین محمد پسرخواجه رشیدالدین فضل الله همدانی داد وخواجه علاءالدین محمد مذکور وزیر خراسان را با او در منصب وزارت کل ممالک ایلخانی شریک کرد ولی شرکت خواجه علاءالدین شش ماه بیشتر طول نکشید وخواجه غیاثالدین در وزارت مستقل شد و علاءالدین بوزارت خراسان برگشت ضمناً شغل استیفاى کل ممالک نیز درعهده او گذاشته شد .

خواجه علاءالدین محمد سالها مستوفی و وزیر خراسان بود و بدستیاری برادرزاده اش خواجه رضی الدین عبدالحق بن علاءالدین هندو امور آن ولایت را تا سال ۷۳۶ که سلطان ابوسعید خان مرد اداره میکرد .

بعد از مرگ ابوسعید و قیام مدعیان متعدد برای جانشینی او خواجه علاءالدین محمد جانب طغا تیمورخان از اعقاب برادرچنگیز را که برهاندران وقسمه تی از خراسان

مستولی شده بود گرفت و برادرزاده اش خواجه رضی الدین عبدالحق در سال ۷۳۷ از جانب ایشان اردوی موسی خان بن علی بن بایدو مدعی دیگر ایلخانی را که بخراسان دست اندازی کرده بود مغلوب ساخت.

دولت طغای تیمورخان و خواجه علاء الدین محمد دوایمی نکرد چه کر و فر ایشان مقارن شد با قیام سربداران در سبزوار و مخالفت ایشان با عمل خواجه علاء الدین محمد که دست بظلم و ستم و تعرض بناموس مردم دراز کرده بودند.

امیر عبدالرزاق باشتینی سربدار در سال ۷۳۷ بفریومد حمله برد و خواجه رضی الدین عبدالحق را کشت و علاء الدین محمد باستر اباد گریخت ولی بعدها دستگیر گردید و در ۲۳ شعبان ۷۴۲ بدست سربداران بقتل رسید. ابن یمن در واقعه قتل او گوید :

سه بر عشرين فزوده ماه شعبان	زهجرت هفت صد بود و چل و دو
ز بد فعلی این گردون گردان	بروز چار شنبه در که چاشت
وزیر شه نشان مالک ایران	علاء الدین و الدنیا محمد
که جانش تازه باد از آب غفران	ز سر همیشه سوی جنت روان شد
کلی خرم دل و شاداب و خندان	جلال ملک و دین زان گلشن آمد
که هست این یاد گاری در گلستان	مبادا بی چنین گل گلشن ملک

از این شعر معلوم میشود که خواجه علاء الدین محمد پسری داشته است بنام جلال الدین و در حبیب السیر نیز میگوید که پس از قتل علاء الدین پسر و متعلقانش بطرف ساری گریختند.

خواجه علاء الدین محمد فریومدی که آخرین فرد مشهور خاندان زنگی است مردی شعر دوست و ادب پرور بوده و او ممدوح امیر یمن الدین طغرانی فریومدی و پسرش شاعر معروف فخر الدین محمود معروف بابن یمن است و هموست که عبید زاکانی

۱ - دولتشاه : « درقریه دلاباد از حدود کوهسار کبود جامه » حبیب السیر : « در

حدود شهرک نو » ، مجلہ نصیح خوانی : « در حدود مازندران » .

کتاب نوادر الامثال عربی خود و محمد بن علی فریومدی کتاب الحکمه را بنام او ساخته اند. از این مراتب گذشته خواجه علاء الدین مذکور از خویش آثار و ابنیه بسیار نیز بجا گذاشته بوده مثل عمارت شهرستان فریومد و ایوان و مناره و عمارتی در مشهد مقدس (دولت شاه ص ۲۷۵) و عمارت و گنبدی، بر تربت شیخ جام احمد زنده پیل (نزهة القلوب ص ۱۵۴) و غیرها.

پس از ختم این بحث جدولی را که از افراد خاندان زنگی ترتیب داده ایم برای سهولت کار اهل تنبع ذیلاً بطبع میرسانیم:

خاندان زنگی

